



خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال اول، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۳

قائم مقام ریاست پژوهشگاه علوم انسانی :

بنیان جامعه توسعه یافته در گرو توسعه علمی است

دکتر حسینعلی قبادی قائم مقام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز چهارشنبه در نشست تخصصی ادبیات و فلسفه در تالار حکمت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان گفت: توسعه علم محصول نو بودن، اصیل، عمیق بودن و مستمر بودن پویای علمی و نهادینه شدن جریان های علمی است.

وی با اشاره به ضرورت اهمیت پیوند حلقه های علمی اظهار کرد: پیوند حلقه های علمی بویژه پژوهش و آموزش می تواند در کشف دقیق مسایل علمی زبان و ادبیات ساختاری و ایجاد هم افزایی برای توسعه علمی کشور مفید باشد.

قبادی با بیان این که رشته علوم انسانی باید برای برنامه ریزی نظام جامع آموزش عالی سهم روشن و تعیین کننده داشته باشد، خاطر نشان کرد: بحث نسبت میان ادبیات و فلسفه می تواند در سرنوشت آینده رشته ادبیات و علوم انسانی نقش بسزایی ایفا کند.

وی نتیجه این نشست ها را بسیار حائز اهمیت دانست و تصریح کرد: این نشست های تخصصی در سیاست سازی ها و سیاست گذاری ها در نظام آموزشی کشور نقش مهمی دارد.

وی یاد آور شد: اولین نشست تخصصی ادبیات و فلسفه فرصتی است تا بر مبنی مسئله شناسی و کشف مسایل واجب تر، در جهت شکوفایی و بالندگی رشته ادبیات حرکت کنیم.

قائم مقام ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کشور ادامه داد: اصیل بودن مسایل نقد ادبی و عموم دانش های ادبی بدون مبانی نظری فلسفه ممکن نخواهد بود.

وی در این نشست تخصصی یاد و خاطره استاد غلامرضا رحمدل و قیصر امین پور از اعضای گروه زبان و ادبیات فارسی شورای ادبی بررسی متون را گرامی داشت.

دکتر قبادی در حاشیه این نشست در گفتگو با خبرگزاری ایسنا بیان کرد: بازآفرینی میراث های فرهنگی و فلسفی، پاسخ به نیازها و چالش های جامعه، کوشش برای رسیدن مرزهای دانش و پیشرفت های جهانی در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی را از مهمترین اهداف تاسیس و در دستور کار این

پژوهشگاه عنوان کرد.

وی افزود: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از پژوهشگاه های مرجع کشور است که دارای قدمتی ۷۰ ساله است و این پژوهشگاه به عنوان بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی در خاورمیانه و حتی یکی از بزرگترین پژوهشگاه های جامع جهان است که به کاوش بنیادی در حوزه علوم انسانی می پردازد.

قائم مقام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه این پژوهشگاه به نیازها، مسائل و چالش های کشور هم توجه اساسی دارد، گفت: این پژوهشگاه در رابطه با مسائل کلان کشور همکاری و پروژه هایی را نیز در دست اجرا دارد.

قبادی بازآفرینی میراث های فرهنگی و فلسفی، پاسخ به نیازها و چالش های جامعه، کوشش برای رسیدن مرزهای دانش و پیشرفت های جهانی در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی را از مهمترین اهداف تاسیس و در دستور کار این پژوهشگاه عنوان کرد.

وی با بیان اینکه یکصد عضو هیات علمی اعضای این پژوهشگاه را تشکیل می دهند، گفت: بسیاری از این اساتید از مفاخر و شخصیت های برجسته علمی کشور هستند.

قائم مقام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: پژوهشگاه علوم انسانی در حوزه هایی همچون زبان شناسی در حوزه زبان باستانی، مطالعات فرهنگی در حوزه معاصر فرهنگ ایران و جهان، ادبیات میراثی و در آینده در حوزه تاریخ زمینه قطعی برای قطبی شدن دارد.

دکتر قبادی با اشاره به نامگذاری سال از سوی مقام معظم رهبری به سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» گفت: در سالی که از سوی رهبر معظم انقلاب به سال اقتصاد و فرهنگ نامگذاری شده است، این پژوهشگاه برنامه ریزی هایی جهت تحقق منویات رهبری طرح ریزی کرده است و فعالیت هایی را در دست اجرا دارد.

وی تاسیس پژوهشگاه فرهنگ معاصر در ایران، تاسیس پژوهشگاه مطالعات بین رشته ای با هدف نظارت بر مسئله اشتغال آفرینی و نیز اقدام مجذانه برای گسترش حوزه مطالعات قرآنی را از اهم برنامه های این

پژوهشکده در سال جاری جهت تحقق فرامین رهبری عنوان کرد و گفت: به زودی شاهد رشد و شکوفایی قرآن پژوهی در زمینه نشانه‌شناسی خواهیم بود.

دکتر قبادی همچنین به خبرگزاری ایکن گفت: حوزه مطالعات قرآنی یکی از برنامه‌های در دستور کار این پژوهشگاه است که به‌زودی شاهد رشد و شکوفایی قرآن پژوهی در زمینه نشانه‌شناسی خواهیم بود.

وی قرآن پژوهی از دیدگاه دانش‌های جدید را یکی از اولویت‌های مهم در بحث مطالعات قرآنی دانست و ادامه داد: نشانه‌شناسی و معناشناسی از روش‌های دانش جدید در حوزه مطالعات قرآنی است که در این پژوهشگاه به آن پرداخته می‌شود.

این استاد دانشگاه افزود: کشف ظرفیت‌های کتاب مقدس آسمانی جهت

پاسخگویی به نیازهای جهان امروز را از مهم‌ترین آثار اجرای این طرح بیان و اشاره کرد: در این راستا گروه‌های جدید قرآن پژوهی در پژوهشگاه در حال تشکیل هستند.

قبادی ادامه داد: دانش‌های نوین نشانه‌شناسی و شاخه‌های جدید دیگر این علم در بازیابی و بازشناسی مفاهیم متعالی قرآن کریم تأثیرگذار است. وی تصریح کرد: در اجرای این طرح مهم، از کارشناسان و افراد خبره از قرآن پژوهان کشور با دیدگاه میان رشته‌ای استفاده شده است که اساتیدی چون مهدوی‌راد، قاضی‌زاده، پاکتچی و ... از استادان صاحب‌نام در این حوزه هستند؛ امیدواریم با اجرای این برنامه‌ها به‌زودی قرآن پژوهی در پژوهشگاه به قطب علمی تبدیل شود.

گفت‌وگو با دکتر ثریا مکنون؛ زنان توانمند در جامعه ما

کیفیت حضور زنان جامعه را از نظر تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و حضور اجرایی تعیین کرد. البته در جامعه کنونی، خانم‌هایی هستند که مشارکت آنان در اقتصاد، فرهنگ و ... نه تنها کمتر از خانم‌های شاغل نیست، بلکه بیشتر هم هست.

اما وقتی سنجش بر مبنای شاخص‌ها و مفاهیم اقتباس شده از نظام‌های دیگر انجام شود، چون با جامعه ما مطابقت ندارد، نتیجه قطعاً جامعه ما را عقب‌تر از جامعه اصلی نشان خواهد داد و تلاش برای آموزش یا تربیت (به دلیل این که علاوه بر محتوا، روش آموزش هم از ما نیست) هرگز در رسیدن آماری به آنها موفق نخواهیم شد. در کمیته سوم اجلاس سازمان ملل در سال ۱۹۸۷ یا ۱۹۸۸ در کنفرانس زنان که من به عنوان نماینده ایران شرکت داشتم، پیشنهاد دادم که تعاریف جدیدی از تعلیم و تربیت، تساوی و صلح ارائه کنیم که با فرهنگ کشورهای جهان سوم یا کشورهای در حال توسعه و کشورهای اسلامی تطبیق داشته باشد و در مرحله بعد، با بکارگیری تعاریف جدید، عقب‌ماندگی یا پیشرفت مردم این جوامع را دوباره بسنجیم.

سران کشورهای خاورمیانه و اسلامی از این پیشنهاد بسیار استقبال کردند ولی کشور ما به دلیل گرفتاری‌ها و مشکلات روزمره کمتر به فعالیت‌های بنیادی و بلندمدت توجه دارد. باید با این اعتماد که ما هم می‌توانیم تغییری در تعاریف در سطح جهانی ایجاد کنیم (همان‌گونه که در طول انقلاب مفاهیمی نو به جهان ارائه کردیم) جایگاه و حتی در طبقه‌بندی بین‌المللی ملت‌ها از توسعه‌یافته، در حال توسعه و ... تغییر

را مشخص کنند. ایجاد زمینه برای رسیدن به این قدرت را می‌توان توانمندسازی نامید و رشد واقعی در این زمان ایجاد می‌شود. در این حالت، زنان حتی در حوزه‌های فردی هم انسان‌های قوی‌تری می‌شوند، ذهن باز و گسترده‌تری یافته و با آگاهی از بین امکانات موجود، انتخاب می‌کنند. بنابراین توانمندی زنان را می‌توان در ۳ حوزه روحی، ذهنی و عملی دسته‌بندی کرد. توانمندی روحی، به معنای قدرت تصمیم‌گیری و اختیار است، توانمندی ذهنی، به معنای قدرت انتخاب بوده و توانمندی عملی در محدوده قدرت عملکرد قرار می‌گیرد. برای هر سه این موارد باید زمینه فراهم شود. ناگفته، آشکار است که برای شکوفایی این سه بخش، آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب، ضروری است.

– به نظر شما توانمندی زنان اکنون در جامعه در چه سطح و وضعیتی قرار دارد؟

مکنون: در حال حاضر تعداد اندکی از زنان در جامعه به کارهای حساس و خیلی مهم اشتغال دارند، اغلب در کارهایی تحت اراده دیگران فعالیت می‌کنند. به نظر من این نوع مشارکت آن‌قدر حساس نیست که به دلیل آن، بخواهیم در سطح بین‌الملل آمار زنان شاغل را بالا ببریم. اما اگر بتوان شاخص‌های جدید و تعاریف نو ارائه کرده و به جامعه و دنیا معرفی کنیم، مسیر و تعریف ما از توسعه قدرت زنان روشن‌تر خواهد شد. در این صورت و با آمارگیری مجدد بر مبنای شاخص‌ها و معیارهای جدید می‌توان تعداد و

ایران: خانم دکتر ثریا مکنون، استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی است. در یک بعد از ظهر گرم تابستانی مهمان ایشان بودیم و با توجه به اهمیت مقوله توانمندسازی زنان با ایشان گفت‌وگویی انجام دادیم که در پی می‌آید.

– اجازه دهید گفت‌وگویمان را با مفهوم توانمندسازی آغاز کنیم. تعریف شما از این مفهوم چیست؟

مکنون: توانمندسازی و عباراتی از این دست، ترجمه مفاهیمی هستند که بعضاً به جامعه ما تعلق نداشته و معرف شاخص‌هایی‌اند که شاید خیلی با مولفه‌های جامعه ما مطابقت ندارند. ما دو راه درپیش داریم، یا باید این مفاهیم را مطابق با فرهنگ و اهداف خود، تعریف کنیم یا این که باید دست به کار ساختن مفاهیم جدید شویم. واقعیت این است که در ترجمه لغت «توانمندسازی» ساده‌ترین تعریف را انتخاب کرده‌ایم، یعنی تربیت زنان به منظور افزایش قدرت آنها، به‌خصوص در مقوله کار کردن در عرصه‌های اجتماعی، اما معنای واقعی توانمندسازی فقط تقویت قدرت بدنی و حضور در عرصه‌های اجتماعی و اشتغال نیست. معنای بسیار قوی‌تر و عمیق‌تری هم دارد. بهترین تعریف از نظر من این است که جامعه روشی برای گسترش حوزه اختیارات زنان اتخاذ کند، البته با این پیش شرط که حوزه اختیارات را دیگران تعریف نکنند، از آن‌جا که اختیار مرحله بالاتر انتخاب است، توانمندسازی این معنا را می‌یابد که زنان، خود، قلمروی اختیارشان

ایجاد کنیم. در حال حاضر، ما بر توانمندی عملی، تمرکز کرده‌ایم که در واقع، پایین‌ترین سطح از سطوح سه‌گانه توانمندی زنان محسوب می‌شود. در حالی که اگر دامنه اختیار را وسیع‌تر کنیم، توانمندی عملی، خودبه‌خود، محقق خواهد شد.

- براساس این تعریف، کدام نمونه از زنان توانمند را مثال می‌آورید.

مکنون: اگر توانمندی را مطابق با آنچه گفته شد، تعریف کنیم، می‌توانیم نمونه‌های زیادی از زنان توانمند ارائه کنیم. اما اگر وضع اقتصادی و نقش زنان را در وضع موجود مورد بررسی قرار دهیم، ممکن است به این نتیجه برسیم که زنان تاثیر شایانی در تولید اقتصاد کلان ندارند یا دریابیم که تعداد زنان در سطوح موثر و تصمیم‌ساز، اندک است. با تغییر تعریف، به این نتیجه می‌رسیم که شاید از نظر کمی، تعداد زنان فعال، به‌خصوص در اشتغال شهری زیاد نباشد، اما تاثیری که در بعد اجتماعی برجای می‌گذارند، قابل تأمل است. مثلاً در تاریخ اسلام، زنانی بودند که به لحاظ اقتصادی توانمند بودند و با وقف اموال خود کمک کردند که نه تنها جامعه مردان که کل جامعه پیشرفت کند. در عمل وقف، ممکن است خود فرد نقش مستقیمی در تولید فعالیت‌های علمی، فرهنگی و... نداشته باشد، اما انتشار ثروتش در طول زمان، تاثیرات شگرف و انکارناپذیری به لحاظ کیفی ایجاد کند. بنابراین با عوض کردن تعریف مقوله‌های مرتبط با زنان و متناسب ساختن آن با خصوصیات هر جامعه‌ای، می‌توان به تاثیر واقعی این قشر از جامعه و توانمندی آنان پی برد. با توجه به این نکته که میزان و کیفیت تاثیر به مراتب مهم‌تر از تعداد و عدد حضور است، به این نتیجه می‌رسیم که هر نوع مقایسه میزان پیشرفت، باید با توجه به نسبت‌هایی صورت گیرد که دو جنس، راه تعالی اجتماعی را طی کرده باشند. مقایسه زن و مرد بدون توجه به ایجاد زمینه برابری، مثل این است که در مسابقه دو، جمعی صد متر جلوتر بایستند و مسابقه آغاز شود. بدیهی است که آن گروه جلوتر، مسیر کمتری را دویده و به پیروزی نزدیک‌تر باشند. اول باید این شکاف پر شود، یعنی دو گروه با هم برابر بایستند و بعد مسابقه را آغاز کنند.

- شکاف اطلاعاتی و شکاف نسلی چگونه بر مقوله توانمندسازی اثر گذاشته است؟ آیا این فرآیند را تسریع کرده یا اثر بازدارنده داشته؟

مکنون: قطعاً تاثیر داشته، کما این که تاثیر پیشرفت فناوری را در همه عرصه‌ها می‌توان دید. اما خود فناوری باعث این تغییر نیست. اهداف و عملکردهای فناوری بیشترین تاثیر را دارد. این که ما چگونه می‌توانیم فناوری را بگیریم و آن را با فرهنگ جامعه خود، مطابقت دهیم، اهمیت زیادی دارد. ما در حال حاضر مصرف‌کننده فناوری هستیم. به دلیل مصرف‌کنندگی است که در پیشرفت، سرعت مطلوب نداشته‌ایم. در واقع، نقش ما در تولید و توزیع فناوری بسیار کم است. مساله دیگر، حفظ ارزش‌ها و فرهنگ ملی ما است. نه فقط به صورت نوشته و نصیحت، بلکه به همان شکل‌های زیبایی که فناوری امروز عرضه می‌شود. کودک بیش از ۸۰ درصد وقت خود را با اجتماع می‌گذراند. حتی در خانه هم که هست، با وسایل تکنولوژیکی مشغول است. از طرف دیگر خانواده‌ها همچون اسیر فناوری شده‌اند، زمانی برای سپری کردن اوقات مشترک با بچه‌ها ندارند. بنابراین فاصله نسلی و اطلاعاتی در حال افزایش روزافزون است. ما از خصوصیات فرهنگ خودمان فاصله گرفتیم و روشی برای تولید محتوا نداریم. تاکید من بر حفظ ارتباطات بین فردی است. امروز بچه‌ها عشقی را که باید به خانواده داشته باشند، به ابزار دارند. ابزارها روز به روز بیشتر دگرگون شده و اشکال جدیدتری می‌یابند. هرچه این اشکال نوین بیشتر شوند، عشق‌های واقعی کمتر می‌شوند.

متولیان جامعه و دولتمردان در توانمندسازی زنان چه نقش و تاثیری دارند و آیا به وظیفه‌شان عمل کرده‌اند؟

اغراق نیست اگر بگویم که تاکنون کار زیادی انجام نشده است. به لحاظ ظاهری، دفترها، نهادها و سازمان‌هایی درست شده اما فعالیت‌های بیشتر در سطح خرد است. دولتمردان می‌توانند به ایجاد سازمان‌های زنان، نه به صورت فردی بلکه به صورت سازمانی، کمک کنند. همچنین باید سازمان‌های مردم‌نهاد را به بالابردن سطح کارهای فکری، ذهنی و روحی زنان سوق دهیم. دولت می‌تواند زمینه این فعالیت‌ها را فراهم کند. معمولاً فقط چارچوب اتاق فکر در این زمینه ایجاد می‌شود، اما نتیجه‌ای ندارد. الان سازمان‌های صنفی و حرفه‌ای، مشغول فعالیت هستند، اما اینها کافی نیست. دولت می‌تواند سازمان‌هایی برای زنان ایجاد کند.

در زمینه فکری هنوز خلأهایی هست. کسانی که در رأس هرم تصمیم‌گیری‌های اجتماعی هستند، باید از زنانی که فکر جدیدی دارند که به دولت و سیاستگذاری‌های جامعه کمک می‌کند، بدون توجه

به مدرک تحصیلی، دعوت کنند. الان بیشتر کار اجرایی برای زنان انجام می‌شود و کار فکری نیست.

- **چنین سازمانی در کشور ما نبوده است؟ مکنون:** به نظر من خیر، ممکن است بعضی ادعا کنند، اما من اغلب سازمان‌ها را می‌شناسم، یا صنفی هستند یا خدماتی. توسعه‌ای نیستند. در واقع به عقیده من، اعضای این سازمان‌ها باید دغدغه‌های مشترکی داشته باشند و به دلیل این نقاط اشتراک دورهم جمع شده و یک انجمن سازمانی ایجاد کنند، دلایل صنفی و شغلی و... بستر مناسبی برای ایجاد یک تشکل اینچنینی محسوب نمی‌شوند.

- حضور زنان توانمند تا چه حد در کاستن از آسیب‌های اجتماعی و تلطیف فضای اجتماعی تاثیر دارد؟

مکنون: زنان قطعاً بیشتر از مردان در تلطیف فضای اجتماعی تاثیر دارند. منتها مشکل ما این است که از هیچ چیزی تعریفی نداریم. ما طی چندسال گذشته در جامعه دچار دوگانگی شده‌ایم و هرچه پیش می‌رویم، این شکاف بیشتر می‌شود که فقط نسلی نیست، بلکه شکاف اجتماعی است و به زن و مرد، بستگی ندارد. منظورم، گذار از سنت به مدرنیته است.

تفکر سنت‌گرا ریشه دینی دارد، در حالی که تفکر مدرن با بنیان مادی در نقطه مقابل، واقع شده است. طرفداران این دو نوع تفکر با هم درگیرند. کسانی که اصولگرا هستند (البته نه به معنای سیاسی، بلکه منظور افرادی است که تفکر خود را بر پایه اصول بنیادین اجتماعی بنا نهاده‌اند) به دلیل اعتقاد و زمینه فکری خود، نه می‌توانند اصول تفکر مدرن را بپذیرند و نه می‌توانند آن را نادیده انگارند. این حالت پارادوکسیکال، حل‌شدنی نیست، مگر این که این افراد، متدولوژی خود را عوض کنند. یعنی بگویند که اصول را حفظ می‌کنیم و با نسبی‌گرایی جلومی‌آییم تا با جامعه بهترین تعامل را داشته باشیم. باید بر مبنای کارهای پژوهشی دریابیم که چه کاری برای چه کسی مفید است، آن هم بر مبنای تعریفی که با خصوصیات و فرهنگ جامعه ما تناسب دارد. زن توانمند با تعریف نوین و مخصوص جامعه ما با آگاهی‌هایی که کسب کرده، قطعاً در سوق دادن جامعه به سمت آرامش، نقش موثری ایفا می‌کند.

- و در آخر، آینده زنان کشور را چطور می‌بینید؟

مکنون: من به آینده خیلی امیدوارم. با تغییراتی

که در جامعه اتفاق افتاده، زنان آگاه‌تر شده‌اند، از فناوری استفاده بیشتر و موثرتری می‌کنند، مراوده‌ها بیشتر شده و افراد یکدیگر را بیشتر می‌بینند، همه این اتفاقات، آگاهی‌های اجتماعی را افزایش می‌دهند. گاهی فکر می‌کنیم که اگر زنان در خانه بمانند، مادران بهتری می‌شوند. اما درواقع، این نحوه ارتباط با فرزند است که اهمیت بیشتری دارد. این که والدین، چه خصوصیاتی را به بچه منتقل می‌کنند، قابل تأمل است. باید زمینه‌ای فراهم شود تا زنان بتوانند خصوصیات مثبت خود را تقویت کنند.

کتاب نقد بوم‌گرا منتشر شد

شاهین آریامنش: کتاب نقد بوم‌گرا (ادبیات و محیط زیست) نوشته دکتر زهرا پارساپور استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شد.

نویسنده در پیش‌گفتار این کتاب، نخست به تعریف نقد بوم‌گرا می‌پردازد که عبارت است از مطالعات میان رشته‌ای ادبیات و محیط زیست که نزدیک به دو دهه پیش به دنبال ضرورت توجه به محیط زیست در آمریکا شکل گرفت. اگرچه مبانی نظری این حوزه مطالعاتی هنوز سروسامان نگرفته با این همه توانسته است در کشورهای اروپایی، آسیایی و استرالیا جای پای خود را باز کند. نویسنده هدف خود را از نوشتن این کتاب، تنها معرفی نقد بوم‌گرا، بیان ضرورت، اهداف و موضوعات آن بیان کرده است.

این کتاب دربردارنده سه فصل است که فصل نخست، «بحران زیست محیطی و عوامل آن» نام دارد. چنانکه از عنوان این فصل پیداست نویسنده به عوامل بحران‌های زیست محیطی می‌پردازد. کاهش منابع انرژی، افزایش جمعیت، کاهش معادن، از بین رفتن چشم‌اندازهای طبیعی، آلودگی هوا، گازهای گلخانه‌ای، تخریب لایه اُزن، آلودگی صوتی، آلودگی آب، دفع نامناسب زباله‌ها، انقراض گونه‌ها و کاهش تنوع زیستی عواملی هستند که به بروز بحران محیط زیستی دامن می‌زنند. پارساپور درباره انقراض گونه‌ها چنین نوشته است: «با افزایش جمعیت و گسترش زندگی شهری، انقراض گونه‌های جانوری در تمام دنیا شتاب گرفته است. سیاره ما روزانه سه گونه مختلف را از دست می‌دهد. پیش‌بینی شده است که در کمتر از یک دهه، این رقم به سه گونه در ساعت برسد. به عنوان مثال، اگر روند کشتار کنونی فیل‌ها ادامه پیدا کند، تقریباً تمام فیل‌های آفریقا در عرض ۲۰ سال از بین خواهند رفت.»

«بحران زیست محیطی و علوم انسانی» نام فصل دوم است. نویسنده رابطه انسان با محیط زیست را بررسی می‌کند. رابطه‌ای که در آغاز به دلیل عدم آشنایی و اشراف انسان به رویدادهایی که پیرامون او می‌گذشت، علتی اسطوره‌ای داشت. در بینش اسطوره‌ای، طبیعت امری بسیار پیچیده بود و هر جزیی از طبیعت هم‌زمان در ارتباط با کل جهان بود؛ از این رو فهم علت هر رویدادی به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شد. بسیاری از خدایان و دیوان پدیده‌هایی از طبیعت بودند که بشر به آنها وابسته بود بنابراین انسان نسبت به خدایان و این پدیده‌ها دو حس ترس و نیاز داشت.

در ادامه دکتر پارساپور از تاثیر دین بر نگرش انسان به محیط زیست و شیوه رفتار با آن سخن می‌گوید؛ تأثیری که پژوهشگران بسیاری آن را انکارناپذیر قلمداد می‌کنند. اخلاق زیست محیطی زیرشاخه اخلاق کاربردی است که مبحثی میان‌رشته‌ای است که میان اندیشه‌های نظری در رشته‌هایی چون فلسفه و الهیات و مسائل و معضلات زندگی بشر پیوند برقرار می‌کند. در نظریه‌های اخلاق زیست محیطی دو دیدگاه عمده وجود دارد. نخست دیدگاه بوم‌محورانه است که بیشترین ارزش را برای سیاست ناظر به ممانعت از توسعه و تحول در عرصه‌های حیات‌وحش و حفظ گونه‌های در معرض خطر قائل می‌شود. دومین دیدگاه انسان‌محورانه است که بیشترین ارزش را برای تشویق توسعه و اشتغال اقتصادی قائل است. در ادامه این فصل موضوعاتی چون نگرش ادیان الهی به محیط زیست، آموزه‌های مسیحیت و محیط زیست، آموزه‌های اسلام و محیط زیست، نگاهی بوم‌گرایانه به رابطه انسان و جهان، محیط زیست و زبان، تاثیر محیط زیست بر زبان، تاثیر محیط بر حوزه واژگانی، تاثیر محیط بر ضرب‌المثل‌ها و کنایات، محیط زیست و جنسیت بحث و بررسی شده است.

فصل سوم «نقد بوم‌گرا: پیشینه، اهداف و روش‌ها» نام دارد که نویسنده در این فصل، موضوع اصلی این کتاب را بررسی کرده است. در رازنای سده بیستم نظریه‌های ادبی تحت تاثیر تغییرات علمی بود و در آنها ردپای اصلاحات علمی دیده می‌شد. پیوند ادبیات با دنیای علم و فناوری از سویی چهره ادبیات را دگرگون می‌ساخت و مطالعات و حتی آفرینش‌های ادبی را به دنیای علم نزدیک می‌کرد و از سوی دیگر می‌توانست بر روند پیشرفت علم و فناوری تاثیرگذار باشد. شکل‌گیری نقد بوم‌گرا نتیجه همین دغدغه‌های زیست محیطی بود و باعث شد به نقش ادبیات اهمیت بیشتری داده شود.

نویسنده در ادامه این فصل به تعریف بوم‌شناسی، اقلیم‌شناسی، محیط زیست، تاریخچه نقد بوم‌گرا، اهمیت نقد بوم‌گرا، روش‌شناسی نقد بوم‌گرا، نقش زمینه در آثار ادبی، نقش زمینه در داستان و مسائلی از این دست می‌پردازد.

اصطلاح نقد بوم‌گرا را روکرت در سال ۱۹۷۸ ابداع کرد؛ اما پیشینه کهن‌تری دارد. توصیف محیط طبیعی که در نقد بوم‌گرا مهم است دیرینگی بسیاری دارد. این توصیف در نقل بهشت عدن در کتب مقدس یهودیان دیده می‌شود. تا میانه‌های سده نوزدهم، ثورآو و دیگر نویسندگان آمریکایی و انگلیسی هشدار می‌دادند که چگونه شهرسازی و صنعت، محیط زیست را تهدید می‌کند. در پایان این سده بود که هشدار تسریع و گسترش انهدام طبیعت به دست بشر، باعث شد تا جنبش محیط زیست و نویسندگانی چون جونت باروز و جون مور، بازمانده طبیعت بکر آمریکا را در امان نگهدارد.

اهمیت و برجستگی نقد بوم‌گرا در آن است که می‌خواهد در برطرف کردن یا پایش جریان ویران‌گر محیط زیست موثر باشد. بهره‌گیری از علوم انسانی در حل مشکلات و معضلاتی که ریشه در علوم تجربی و فناوری دارند، سال‌هاست که در غرب مطرح شده و زمینه ایجاد مطالعات میان‌رشته‌ای را در دانشگاه‌ها فراهم کرده است. در نقد و بررسی هر اثر توجه به ویژگی‌های اقلیمی بایسته است بنابراین نقد بوم‌گرا جدا از رسالتی که بر دوش دارد، می‌تواند در بررسی آثار ادبی نقش موثری داشته باشد. نقد بوم‌گرا پیوند موجود میان ما و طبیعت و نیز میان فرهنگ ما و طبیعت را برجسته می‌کند.

نویسنده در ادامه این فصل به «نقش زمینه در آثار ادبی» می‌پردازد. نقد بوم‌گرا ارتباط میان ادبیات و محیط زیست را بررسی می‌کند. می‌توان آثار ادبی را با ملاحظات زیست‌محیطی بازخوانی کرد و از سویی دیگر می‌توان با توجه به نگرش فرهنگی و فکری که در آثار ادبی وجود دارد به

محیط زیست نگریست.

کتاب نقد بوم‌گرا که در ۵۰۰ نسخه منتشر شده است به بهای ۷۰۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

توصیه‌های دکتر کریم مجتهدی برای احیای نقش دیرینه تکثیر علم در مساجد

و روی یک لوح به آنها درس داده می‌شد ابتدا به آنها آموزش خط داده می‌شد تا با قرآن آشنا شوند و بتوانند قرآن را بخوانند. منظور من از بیان این مثال آن بود که کارکرد آموزشی در مساجد صرفاً خاص ایران نیست و در سایر ممالک که اسلام در آنها حضور داشته و دارد نیز دیده می‌شود و می‌توان در روزگار فعلی این رویکرد را احیا کرد.

– اگر به طور خاص ایران را مد نظر قرار دهیم، اولاً در چه دوره‌هایی مسجد در حوزه‌های علمی بیش از سایر دوره‌ها فعالیت داشت و در وهله دوم این کارکرد علمی عموماً به چه حوزه‌هایی از علم اطلاق می‌یافت؟

مجتهدی: در ایران تا زمان صفویه و قاجاریه این رویکرد در مساجد وجود داشت، مثلاً علم هیأت، طب، گیاه‌شناسی، کیمیا، در مسجد و مدارس مذهبی رواج داشت. مدرسی هم که در سرزمین‌های مسلمان شکل می‌گرفت عمدتاً در کنار مسجد بود.

– نظراتان در مورد احیای این رویکرد چیست؟

مجتهدی: من با روح این جریان موافقم، اما این مسئله نباید صرفاً در قالب تبلیغات باشد. نمی‌توان علم را محدود به تبلیغ کرد، اگر نظر بر پیشرفت علم باشد، قطعاً این جریان اثر بخش است اما مهم‌ترین مسأله دوری از جریانات غیرعلمی است. موافقم که معلم و دانشجو قبل از رفتن به کلاس وضو بگیرند و پاکی و احترام به علم را از چنین دریچه‌ای بیابند.

– چه پیشنهاداتی در این راستا دارید؟

مجتهدی: قطعاً سخنرانی‌های علمی و حضور افراد محقق و متخصص در مساجد اثرگذار است، اما تأکید من این است که نباید به اسم علم شعار داد. مثلاً برخی می‌گویند خواندن فلسفه غرب نادرست است و ذهن را تحریف می‌کند، درحالی‌که برای من مسلم است که اگر فردی فلسفه غرب را بخواند به آن معنا نیست که فلسفه غرب را تماماً بپذیرد بلکه با سایر نظریات آشنا شده و افق ذهنی وسیع‌تر می‌شود.

دکتر کریم مجتهدی نظریه‌پرداز و اندیشمندی است که علاوه بر فلسفه غرب به عنوان حوزه تخصصی فعالیت‌ها، در حوزه فلسفه اسلامی و آثار محققان و فیلسوفان مسلمان به تحقیقات متعددی پرداخته است. با توجه به اینکه در دهه تکریم و غبار رومی مساجد قرار گرفته‌ایم، در راستای بررسی احیای کارکرد مساجد از جمله بازگشت به نقش علمی و اثرگذاری که مساجد در گذشته تمدن اسلامی ایفا می‌کردند با وی به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن را می‌خوانید.

– از زمان ورود اسلام به ایران مساجد به عنوان مرکزی برای ترویج علم شناخته شدند و مسجد محوریتی عبادی، سیاسی و علمی یافت، فکر می‌کنید در شرایط فعلی چه طور می‌توانیم چنین کارکردی را برای مساجد احیا کنیم؟

مجتهدی: واقعیت آن است که آموزش و تعلیم در مساجد تنها اختصاص به ایران ندارد، اساساً مسجد در تاریخ سایر ممالک اسلامی نیز چنین کارکردی را در گذشته داشته است. همچنین این ویژگی تنها مختص به مساجد نیست و سایر اماکن مذهبی چون کلیسا نیز در زمان‌های قدیم محلی برای تعلیم و تربیت بودند. برای مثال در قرن پنجم میلادی یعنی نزدیک به ۱۸۰۰ سال قبل اولین مدارس در ممالک مسیحی بنیان گرفت، این مدارس در کنار کلیساها شکل گرفته و گسترش یافتند. این امر نشان می‌دهد در گذشته اماکن مذهبی چون مسجد و کلیسا به عنوان مرکز و محوریت علوم بودند. در واقع مساجد در کنار کارکرد عبادی خود، محلی برای تحصیل بودند. در غرب اولین بیمارستان‌ها و نوان‌خانه‌ها در کنار کلیسا به وجود آمد و زمانی که فردی از جامعه طرد می‌شد تنها جایی که برای او پناه و ماوا محسوب می‌شد کلیسا بود. در میان مسلمانان نیز این چنین کارکردی دو چندان بود و مساجد قطب علمی محسوب می‌شدند و کسانی که در این مدارس بودند برای خدا کار می‌کردند بدون آنکه مزد و اجری دریافت کنند. این رویکرد در حال حاضر نیز در بسیاری از ممالک وجود دارد، در سفری که به مصر داشتم و از مسجد «ابن طولون» قدیمی‌ترین مسجد قاهره بازدید کردم. اولین چیزی که در بدو ورودم به این مسجد توجه مرا به خود جلب کرد بچه‌هایی کوچکی بودند که در صحن اصلی مسجد نشسته بودند. این کودکان هیچ کدام دفتر نداشتند

– در مساجد موضوعاتی چون «فلسفه برای کودکان» در قالب

حاضر هم می‌توانیم چنین رویکردهایی را در مساجد ایجاد کنیم و کارکرد مساجد را افزایش دهیم چنانچه در گذشته بود.

– در دهه تکریم و غبارروبی مساجد قرار داریم، به نظر شما با توجه به مباحثی که عنوان شد مهمترین عاملی که باید در راستای تکریم مساجد مورد توجه باشد، چیست؟

مجتهدی: به نظر من درست عمل کردن درباره برنامه‌هایی است که برای مساجد طراحی می‌شود، یکی از مواردی است که باید مورد توجه باشد. واقعیت آن است که خواستن در تمام موارد توانستن نیست. گاهی یک فرد درصدد آن است که کار درست انجام شود اما نمی‌تواند و این یعنی همیشه خواستن به معنای توانستن نیست، بنابراین آنچه اهمیت دارد اولاً تخصص و بعد استمرار در هر کاری است، اگر قرار است کارکردهای مساجد احیا شود باید برنامه‌ای دقیق طراحی شود و باید سخنرانی‌های قابل قبولی ارائه شود.

حلقات متشکل از کودکان و مربی برگزار می‌شود، آیا شما این روش را قبول دارید؟

مجتهدی: بله، من این روش را تایید می‌کنم، در حال حاضر روشی در دنیا مرسوم شده است که طی آن فلسفه را به کودکان می‌آموزند، اما این آموزش به مفهوم یافتن روشی برای رشد فکری کودک است. به طبع این آموزش‌ها در حلقه‌های فکری که در جمعی معنوی شکل بگیرد، بی‌تاثیر نیست منتهی حرف من آن است که اولاً باید مسئله دقیق بررسی شود و ثانیاً نیت‌ها درست باشد و صرفاً بر اساس شعار شکل نگیرد. در رابطه با همین مثالی هم که عنوان کردید یعنی آموزش فلسفه به کودکان، در غرب این رویکرد در جهت رشد دادن ذهن کودکان است و در قالب‌های مختلفی حتی بازی کردن با بچه‌ها نمود می‌یابد و برای مثال اصل علیت را در قالب بازی به کودک یاد می‌دهند یا به صورت داستان ارایه می‌کنند. می‌توانیم همین رویکرد را در مسجد با ارایه داستان‌های قرآنی داشته باشیم. به نظر من این طرح در صورتی که بر اساس شعار نباشد، موفق خواهد شد. در حال

انتصابات

* دکتر صادق آیینی‌وند رییس پژوهشگاه طی حکمی دکتر هادی وکیلی را به سمت مدیر گروه پژوهشی حکمت اسلامی معاصر منصوب کرد.

* دکتر صادق آیینی‌وند رییس پژوهشگاه طی حکمی دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده را به سمت مدیر گروه پژوهشی اندیشه‌های اقتصادی منصوب کرد.

* دکتر ابراهیم التجائی با حکم دکتر صادق آیینی‌وند به سمت مدیر گروه پژوهشی نظامهای اقتصادی منصوب شد.

* دکتر صادق آیینی‌وند در حکمی دکتر سیدسجاد علم‌الهدی را به سمت مدیر گروه پژوهشی اقتصاد تطبیقی منصوب کرد.

* رییس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی حکمی دکتر محمود جنیدی جعفری را به ریاست مرکز امام علی (ع) منصوب کرد.

* دکتر صادق آیینی‌وند طی حکمی دکتر داود مهدوی‌زادگان را به عنوان مدیر گروه پژوهشی مطالعات نظری سیاست منصوب کرد.

* دکتر محمود جنیدی جعفری طی حکمی از سوی رییس پژوهشگاه به عنوان مدیر گروه پژوهشی تمدن اسلامی منصوب شد.

* دکتر صادق آیینی‌وند در حکمی دکتر عبدالله قنبرلو را به عنوان مدیر گروه پژوهشی مطالعات روابط بین‌الملل منصوب کرد.

* دکتر فرهاد زیویار با حکم دکتر صادق آیینی‌وند رییس پژوهشگاه به سمت مدیر گروه پژوهشی فلسفه سیاسی منصوب شد.

* رییس پژوهشگاه در حکمی دکتر محمدعلی فتح‌الهی را به عنوان مدیر گروه پژوهشی مطالعات کاربردی سیاست منصوب کرد.

* دکتر محمود جنیدی طی حکمی از سوی رییس پژوهشگاه به عنوان مدیر گروه پژوهشی تمدن اسلامی منصوب شد.

* احمد سمیعی گیلانی در حکمی از سوی دکتر صادق آیینی‌وند به عنوان مشاور رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا منصوب شد.

کتاب تفاسیر شیعی و تحولات تاریخی ایران منتشر شد

شاهین آریامنش: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کتاب تفاسیر شیعی و تحولات تاریخی ایران نوشته دکتر فروغ پارسا را منتشر کرد.

این کتاب دربردارنده درآمد، مقدمه، سه بخش و همچنین نامناست که هر بخش نیز دربردارنده چند فصل است. دکتر فروغ پارسا استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در آغاز این کتاب سده دهم و یازدهم هجری را در تاریخ شیعه بسیار پر اهمیت قلمداد کرده است چرا که صفویان با بنیان نهادن حکومتی مقتدر، تشیع را مذهب رسمی کشور کردند و این مذهب را به صورت فزاینده‌ای گسترش دادند. رسمیت دادن و گسترش مذهب تشیع نه تنها شعار بلکه عنصر مقوم حکومت صفویان بود. پشتیبانی پادشاهان صفوی از این مذهب زمینه‌ساز پیدایش ساختار استواری برای نهاد دینی شد که نظام اندیشه‌ای و همچنین اندیشمندان شیعی را پرورش داد.

دکتر پارسا فعالیت‌های فکری عالمان شیعی را در سه مکتب فقیهان اصولگرا، عالمان حکمت‌گرا و عالمان اخباری دسته‌بندی می‌کند و سپس می‌افزاید که دوره صفوی را می‌توان به سه دوره «پیدایی و شکل‌گیری صفویان»، «رشد و شکوفایی صفویان» و «آرامش و تثبیت صفویان» بخش کرد که در هر کدام از این سه دوره، یکی از مکاتب یاد شده غالب و حاکم بوده است.

نویسنده در مقدمه کتاب «تفسیر» را بررسی می‌کند و به معنای لغوی، معنای اصطلاحی، تاریخچه علم تفسیر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری و دیگر مباحث مربوط به تفسیر می‌پردازد. «واژه تفسیر در زبان عربی از ریشه فسر گرفته شده است... این واژه به معنای روشن‌گری، تبیین، تفصیل، ایضاح و کشف معانی به کار رفته است.» پارسا در همین بخش به چیستی شیعه شیعی می‌پردازد و آن را از دید لغوی و نیز اصطلاحی بررسی می‌کند و در ادامه به سه فرقه شیعی دوازده امامی، زیدیه و اسماعیلیان می‌پردازد.

نخستین بخش این کتاب «دوران پیدایی و شکل‌گیری صفویان» نام دارد که نویسنده در آغاز به اوضاع سیاسی تاریخی روزگار شاه اسماعیل اول، روزگار شاه طهماسب یکم، روزگار شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده پرداخته است. در ادامه نویسنده اوضاع فرهنگی- مذهبی تشیع را پیش از حکومت صفوی و پس از آن بررسی کرده است. با مسلمان شدن غازان خان، توجه به شیعیان بسیار مهم جلوه کرد چنانکه او برای شیعیان دارالسیاده ساخت. جانشین غازان خان که اولجایتو نام داشت، نام خلفا را از خطبه نماز انداخت و مدرسه سلطانیه و مدرسه سید و ربیع رشیدی را به آموزش طلاب و علمای شیعه اختصاص داد و به امرا و مردم دستور داد تا به تشیع بگروند. خدمات اولجایتو به تشیع چنان بود که شیعیان او را سلطان محمد خدابنده نام نهادند.

سربداران در سبزوار، آل جلایر در آذربایجان و عراق عرب، خاندان مرعشی در مازندران، حکومت‌های محلی شیعی بودند که پس از ایلخانان فرمان می‌راندند. سپس در دوره حکومت تیموریان علمای شیعی در رشته‌های گوناگونی همچون حدیث و فقه و فلسفه و چیزهایی از این دست به فعالیت می‌پرداختند. پسان‌تر آق‌قویونلوها و قراقویونلوها در آذربایجان و عراق عرب به حکومت پرداختند که تا اندازه‌ای گرایش‌هایی به شیعه داشتند.

نویسنده در ادامه از شاه اسماعیل اول پادشاه صفوی می‌گوید که چگونه

برخلاف دیدگاه قزلباشان که به دلیل چیرگی مذهب تسنن در تبریز، شاه اسماعیل را از اعلان رسمی مذهب تشیع در ایران منع می‌کردند، او به مسجد آدینه تبریز رفت و خطبه به نام امامان شیعه خواند و تشیع را مذهب رسمی ایران کرد.

فصل سوم این کتاب «تفاسیر شیعی دوران پیدایی و شکل‌گیری صفویان» نام گرفته است که به تفسیرهای نوشته افرادی چون غیاث‌الدین منصور دشتکی، مولی کمال‌الدین الهی، علی بن حسن زواره‌ای و مولی فتح‌الله کاشانی پرداخته شده است.

بخش دوم که «دوران رشد و شکوفایی» نام دارد دربردارنده دو فصل «اوضاع فرهنگی- سیاسی دوران شاه عباس» و «تفاسیر شیعی دوران شاه عباس» است. در فصل نخست از قلع و قمع امیران سرکش قزلباش، صلح و سازش با عثمانیان، سرکوب ازبکان، ایمن کردن راه‌ها و ساختن کاروانسراها، نوسازی ساختار دیوانی، بنیان نهادن نیروی نظامی نوینی از گرجی‌ها و چرکس‌ها به نام شاهسون به دست شاه عباس سخن رفته است. در فصل دوم نیز از تفسیرهای افرادی چون شیخ بهایی و میرداماد سخن به میان آمده است.

بخش سوم «دوران ثبات و آرامش صفویان» نام دارد که دربردارنده سه فصل به نام‌های «اوضاع تاریخی- سیاسی»، «اوضاع فرهنگی- مذهبی» و «تفاسیر شیعی دوران ثبات و آرامش صفویان» است. فصل نخست با سرگذشت چهارده ساله شاه صفی آغاز می‌شود که در این دوران غریب شاه در گیلان و سپس درویشی با ادعای نیابت امام زمان قیام می‌کند که هر دو سرکوب می‌شوند. همچنین شاه صفی به سرکوب و کشتن کسانی پرداخت که از سوی آنان احساس خطر می‌کرد. در این دوره سپاه مراد چهارم سلطان عثمانی به ایران لشکر کشید که ایروان و نخجوان و آذربایجان و سرانجام بغداد را تسخیر کرد که بر پایه عهدنامه ذهاب، بغداد به عثمانیان واگذار شد.

فصل دوم با مبانی مشروعیت پادشاهان آغاز می‌شود که ایده مشهور در بین عالمان دین این بود که اگرچه حکومت راستین از آن خدا و رسول و امامان است اما در زمان غیبت امام، شاه جانشین بر حق اوست و پادشاهی‌اش مشروعیت دارد. شاه عباس دوم با اهل سنت و زرتشتیان مدارا داشت اما چنانکه در تاریخ آمده است گاه یهودیان و مسیحیان به اجبار مسلمان می‌شدند.

فصل سوم درباره تفاسیر شیعی است که به تفسیرهای افرادی چون مولی محسن فیض کاشانی پرداخته شده است. فیض بر این باور بود که تنها خداوند است که ظهور همیشگی دارد و پنهان نمی‌شود و این دنیا است که در نهان است؛ درحالی‌که مردم به دلیل شدت ظهور خداوند و نداشتن چشم باطنی، عکس این معنا را می‌فهمند که شعر «همه عالم به نور است پیدا/ کجا او گردد از عالم هویدا؛ زهی نادان که او خورشید تابان/ به نور شمع جوید در بیابان» درباره همین مفهوم است.

کتاب تفاسیر شیعی و تحولات تاریخی ایران که در ۵۰۰ نسخه منتشر شده است به بهای ۲۱۰۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان به تاریخ قرار گرفته است.

نشست نظریه‌پردازی تربیتی براساس متون موثق با تکیه بر نهج‌البلاغه

از مسئله تربیت، تأدیب و تزکیه مطرح شده است که نشان از اهمیت این مسئله دارد. البته نتیجه این مسائل نیز منجر به تربیت اسلامی می‌شود. وی با بیان اینکه نگارش یک کتاب فقط این نیست که چیزی نوشته شود، گفت: کتاب باید سبب بصیرت‌افزایی و افزایش سطح آگاهی جامعه شود و مؤلف کتاب «منشور تربیت علوی»، این اثر را با همین نگاه نوشته است. پهلوان با اشاره به نامه ۳۱ نهج‌البلاغه که در این اثر به آن پرداخته شده است، بیان کرد: در بخشی از نامه که درباره زنان است، شاید مورد اختلاف و نقد باشد که چرا امام علی (ع) این سخن را فرموده است که «از رأی زدن با زنان بهره‌یز، زیرا ایشان را رأی سست و عزمی ناتوان است.» در این باره باید گفت مطابق قرآن و سایر متون، تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و آنان نه تنها مساوی هستند، بلکه زن زمانی که به زیور مادری آراسته می‌شود، نسبت به جایگاه پدر و همسر برتری دارد.

این مدرس دانشگاه تصریح کرد: این موضوع نمی‌تواند به اعتبار نهج‌البلاغه خدشه وارد کند و از این نظر کتاب نهج‌البلاغه معتبر است و اگر آن را کتابی موثق ندانیم، به این کتاب ظلم و جفا کرده‌ایم؛ چرا که سخن نهج‌البلاغه دارای زبانی تمثیلی است و نمی‌توان با یک یا چند جمله که معلوم نیست لحن و زبان سخن چگونه بوده است، آن را زیر سؤال برد. محمدمهدی شریعتمدار، قائم مقام مؤسسه بین‌المللی مطالعات نهج‌البلاغه در این نشست با اشاره به فعالیت‌های این مؤسسه گفت: با توجه به اهمیت موضوع تعلیم و تربیت، در این مؤسسه کارگروه‌هایی در این زمینه تشکیل شده و به‌زودی کتاب‌هایی با این موضوع منتشر خواهد شد، که عنوان یکی از این کتاب‌ها «نگاهی بر آموزه‌های تربیتی امام علی (ع)» است و مربوط به رساله علمی یک لبنانی است که از عربی به فارسی ترجمه شده است.

وی افزود: همچنین کتاب‌های دیگری در زمینه «دین، رسانه و کودک» تدوین شده و به زودی منتشر خواهد شد. البته سند راهبردی در این راستا با هدف ضرورت ارتقای عملکرد رسانه‌های اسلامی در تربیت نسلی آگاه و رشد هویت اسلامی تدوین شده است.

شریعتمدار در ادامه با اشاره به موضوع کتاب «منشور تربیت علوی» که بازخوانی نامه ۳۱ نهج‌البلاغه است، بیان کرد: محتوای این نامه که حسب قول خطاب به حضرت امام حسن (ع) است، صرفاً تربیتی نبوده و موضوعات متعددی اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... در آن مطرح شده است و اگر در آن، زنان نقد شده‌اند، این نقد به افراد دیگری نیز وارد شده است.

تسلیت

جناب آقای دکتر احسان اشراقی

درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت گفته و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

سرکار خانم افسر گودرزی

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت گفته و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

بیست و دومین نشست علمی مرکز تحقیقات امام علی (ع) با عنوان «نظریه‌پردازی تربیتی براساس متون موثق با تکیه بر نهج‌البلاغه» دوم تیرماه، با حضور محسن اسماعیلی عضو شورای نگهبان، منصور پهلوان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، محمدمهدی شریعتمدار و علیرضا رحیمی و گوهری‌پور از موسسه بین‌المللی مطالعات نهج‌البلاغه و سیدفخرالدین مویدی در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد و سپس از کتاب «منشور تربیت علوی» رونمایی شد.

علیرضا رحیمی، نویسنده کتاب «منشور تربیت علوی» در این نشست با طرح این پرسش که آیا نظریه تربیتی اسلامی مبتنی بر متون موثق می‌تواند وجود داشته باشد؟ گفت: برای پاسخ به این سؤال چند گزاره مطرح می‌شود: نخست اینکه آیا موضوعی به نام دانش تربیت و تعلیم وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت این علم وجود دارد در حالی که برخی می‌گویند تعلیم و تربیت علم نیست. دانش گاهی به هنرهایی مانند مدیریت محدود نمی‌شود بلکه معارفی است که به بررسی وضعیت‌ها و موقعیت‌های تربیتی می‌پردازد و از این منظر دانش تعلیم و تربیت یک علم تجربی است. وی با بیان اینکه اساساً تربیت از مقولات ثانویه فلسفی است، افزود: اگر قرار است دانش تعلیم و تربیت موقعیت‌های تربیتی را به لحاظ تجربی بررسی کند ما به چه موقعیتی تربیتی می‌گوییم؟ در پاسخ می‌گوییم تا زمانی که فعالیتی به نام تربیتی شناخته نشود فعالیت تربیتی نخواهد بود. ما باید در ابتدا در یک بستر فرهنگی واقعیات تربیتی را بررسی و مطالعه کنیم. اساساً آموزش و پرورش جزیره نیست و یک شبه قاره است چون به فرهنگ متصل است، بنابراین وضعیت‌هایی که در علوم تربیتی بررسی می‌شود وضعیت‌هایی است که بر اساس ذهن مریبان تربیتی شکل می‌گیرد. پس در نظریات تربیتی نگاه فلسفی مبانی عملکرد است.

وی با اشاره به اینکه وقتی درباره تربیت می‌اندیشیم نیازمند فهمی هستیم که موقعیتی را تربیتی بنامیم، گفت: این فهم می‌تواند خالق آثار باشد همان‌طور که اندیشه فیلسوفان می‌تواند متنی برای خواندن ایجاد کند. فهم تربیتی می‌تواند مبتنی بر فهم دیگری مانند فهم قرآن باشد، حتی اگر بخواهیم علوم تربیتی را کاملاً تجربی بدانیم باز مبتنی بر فهم است. گاهی فهم بر اساس یک متن موثق، فهم متن موثق است اگرچه فهم ما می‌تواند موثق نباشد اما متن موثق است پس با توجه به فهم‌های متفاوت نظریات متفاوت داریم.

وی با بیان اینکه اگر بخواهیم در حوزه تربیت اسلامی نظریه‌پردازی کنیم باید به سراغ متون موثق برویم و چاره‌ای جز آن نداریم، بیان کرد: یک نظریه تربیتی تبلور فهمی است که ما از متون داریم و وقتی نظریه‌پردازی می‌کنیم فهم‌مان را متجلی می‌کنیم. اینکه صرفاً قرآن و نهج‌البلاغه را بخوانیم و سریع نتیجه‌گیری کنیم مطلوب نیست بلکه باید این منابع را به عنوان مبنای معرفتی در نظر بگیریم و بر اساس آن عمل کنیم. رحیمی تصریح کرد: فیلسوف تربیتی باید براساس این فهم به یک نظریه منسجم و با زبان علما برسد، چون گاهی فیلسوفان اسلامی به زبانی حرف می‌زنند که فقط خودشان می‌فهمند. باید به گونه‌ای حرف بزنیم که برای دیگران قابل فهم باشد. برای مطالعات تربیتی فهم ضرورت دارد و دانش تعلیم و تربیت بدون نظریه پردازی معنا ندارد.

منصور پهلوان، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در این نشست، تربیت را شغل انبیاء دانست و گفت: انبیاء (ع) مبعوث شدند تا بشریت را تربیت کنند تا انسان قدمی در راستای کمال بردارد. در قرآن کریم بیش

راهنمایی انسان از اصلی ترین اهداف نهضت الهی قرآن است

سرپرست دفتر امور زنان و خانواده استانداری گلستان راهنمایی انسان را از اصلیتین اهداف نهضت الهی قرآن دانست و گفت: اسلام میکوشد تا با همکاری و ترویج فرهنگ برادری، جامعه هدایت یافته تربیت کند.

فائزه عبداللهی در اولین جلسه گروه کاری مشاوره خانواده با رویکرد فرهنگی با حضور مهمانانی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کشور، به مشاوره و فواید آن از دیدگاه اسلام اشاره کرد و افزود: در آموزه های دینی اسلام، اولین راهنما و معلم انسان ها، پروردگار متعال است که بشر را هیچگاه به حال خود رها نکرده و برای رسیدن او به سعادت دنیایی و اخروی، راهنمایان و پیامبرانی را مبعوث فرموده است.

وی تصریح کرد: راهنمایی موجب رشد و شکوفایی عقلی انسان در اجتماع خواهد شد و باعث می شود تا انسان ها از توانایی ها، محدودیت ها، علایق واقعی و امکاناتشان درک عمیقی به دست آورند و از امکانات محیط و کلیه اموری که به نحوی در رشد و تکامل آنان مؤثر است، آگاه شوند و از این امکانات، متناسب با توانایی های خویش بهره بگیرند.

وی خاطرنشان کرد: ضرورت وجود تفاوت های فردی باعث می شود که افراد، با استعدادها، رغبت ها، نارسایی ها و خصوصیات فردی شناخته شوند تا بر آن اساس در رفع مشکلات و حل مسائل زندگی، راهنمایی و هدایت شوند.

عبداللهی در ادامه با بیان فرمایشی از امیرالمؤمنین علی (ع) درباره ضرورت راهنمایی و مشورت و شیوه آن مشورت کردن عین هدایت است و کسی که به رأی و اندیشه خویش اکتفا کرد به مخاطره خواهد افتاد، رعایت اصل احترام به انسان ها با هر دیدگاهی که دارند و پایبندی به اصل رازداری و دقت در حفظ و بایگانی اطلاعات به دست آمده در مورد مراجعان را از اصول کار

مشاوره عنوان کرد.

وی افزود: همچنین برقراری روابط انسانی مطلوب و مناسب با مراجعان، برخورداری از اطلاعات علمی و تخصصی بالا در زمینه مشاوره و روان شناسی و موضوعات مرتبط، درک صحیح نیازها، احساسات، افکار و مشکلات مراجعان و کاربرد واکنش های مناسب و دقیق فراخور مسئله، از دیگر اصول کار مشاوره است.

عبداللهی یادآور شد: مشاوره ضمن آن که موجبات تسهیل رشد مراجعان را فراهم می سازد، با افزایش دانش و مهارت های افراد، از بروز بسیاری از مسائل و مشکلات روزمره پیشگیری می کند.

وی افزود: در مواردی که افراد دچار مشکلات پیچیده و بحران های حاد می شوند، با استفاده از فنون و تخصص های مشاوره ای، می توان نسبت به کاهش و یا رفع و حل آنها اقدام کرد.

وی خاطرنشان کرد: باور ما بر این است که هر مشکلی، راه حل و یا راه حل های متعدد و مختلفی دارد و نباید تسلیم مسائل و مشکلات شد؛ فقط باید چاره کار را درست و منطقی و عاقلانه، چه به تنهایی و چه با مشاوره، پیدا کرد. وی اضافه کرد: پدر و مادر و معلمان می توانند مشاور خوبی باشند؛ ولی واقعیت امر این است که در برخی موارد مشکلات خاصی وجود دارد که در سایه مشاوره به وسیله افراد متخصص قابل حل است.

در این نشست، همیار دادستان تهران و مدیرعامل مرکز کشف اندیشه های راستین مردمی که دارای بیش از ۱۳۵ تألیف است، گفت: طرح های توسعه یافته، انسان های توسعه یافته نیز می خواهد.

فریدون احمدی فاصله گرفتن از آموزه های فطری الهی را عامل شیوع فساد در تمام جنبه های زندگی عنوان کرد. وی که دارنده مدال از سازمان ملل است، با ارائه راهکارهای عملی برای ارتقاء سطح بینش زنان جامعه، تشکیل

جلسات توسعه ای را حتی در سطوح زنان خانه دار پیشنهاد داد.

در ادامه، فریبا زمانی مجری بیش از ۲۳ طرح پژوهشی در کشور با اشاره به دغدغه مشترک مبنی بر ارتقاء جایگاه زنان و خانواده، سرلوحه حوزه های مطالعاتی مرکز را حل چالش های خانواده های آسیب پذیر عنوان کرد.

وی ضمن معرفی پژوهش ها و مجلات اینترنتی پژوهشگاه علوم انسانی و پایگاه اینترنتی پژوهشگاه، از آن به عنوان نهاد مؤثر آموزشی در ارتباط با نهادهای داخلی و بین المللی یاد کرد.

از دیگر مهمانان این گروه کاری، تینا ابوالقاسمی از پژوهشگران این مرکز بود که با ارائه نقطه نظرانی در باره سیاست گذاری و برنامه ریزی توصیه کرد: به جای آن که بر اساس ضرورت و هدف های آنی در پی تدوین طرح ها باشیم می بایست بر اساس فرصت های پیش رو و چشم انداز جامعه عمل کنیم.

نویسنده و دانشیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی در رشته جامعه شناسی نیز، ضمن معرفی چند کتاب سودمند، سطره را نقطه مقابل احترام و آفت سعادت مندی خانواده خواند.

دکتر سیدیوک محمدی با ابراز رضایت مندی از انگیزه و همت والای بانوان استان در مسیر تعالی جامعه خاطرنشان کرد: برای ارائه مشاوره به مراجعان در دستگاه های اجرایی می بایست محدوده تعریف شده ای وجود داشته باشد و در صورت نیاز به متخصص ارجاع داده شوند.

محمدی در پاسخ به این پرسش که اصولاً چرا مسائل اجتماعی به وجود می آید، دلیل آن را، فاصله زیاد ایده آل با واقعیت و دگرگونی های متعدد اجتماعی در جوامع در حال گذار، عنوان کرد. وی تبیین تغییرات جامعه و شیوه های روبرویی مردم با تحولات اجتماعی و نیز واقعی کردن توقعات مردم را به عنوان راهبردی مهم برای تدوین طرح ها دانست.

مراجعه به متون کهن و نسخه‌های خطی در مطالعات قرآنی / کاری که خارجی‌ها در آن از ما جلوترند

پنجمین نشست از سلسله نشست‌های «مطالعات قرآنی؛ وضعیت حال چشم انداز آینده» سه‌شنبه سوم تیرماه با سخنرانی مرتضی کریمی‌نیا عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. کریمی‌نیا در ابتدای این مراسم با طرح این پرسش که اساساً اینکه در رشته علوم قرآن محققان و تولیدات محققان و دانشجویان و استادان ما در عرصه‌های جهانی حضور داشته باشد و به رقابت بپردازد حرف تازه‌ای بزنند و حرف تازه‌ای را بپذیرند حُسن است یا نیست؟ گفت: در دیگر رشته‌های دانشگاهی و حتی رشته‌های ورزشی که روزگاری اساساً هیچ نام و نشانی در عرصه‌های جهانی نداشتند می‌بینیم که این رشته‌ها با پیروی کردن از مدل‌هایی بین‌المللی و یک استاندارد متداول در خارج از مرزهای ایران دیگر در محدوده داخل در یک جزیره بسته نیستند بلکه همواره از جدیدترین نظریات روش‌ها فرضیه‌ها و دستاوردهای علمی آن رشته در جهان مطلع‌اند یا چیزی بر آن می‌افزایند و در مجموع فرصت گفت‌وگو به زبان مشترک با دیگر عالمان رشته خودشان را در خارج از ایران دارند.

وی ادامه داد: المپیادهای علمی که برای دانش‌آموزان و دانشجویان طراحی شده و آنها را به عرصه جهانی می‌کشاند یک نمونه از همین‌هاست و در آنها ما هیچ وقت دانش‌آموزان و دانشجویانمان را محدود به دانسته‌های داخل ایران نمی‌کنیم و همواره می‌کوشیم به آنها چیزی بدهیم که در عرصه رقابت در خارج از مرزهای ایران مشابه همان محصولی باشد که در خارج از ایران ارائه می‌شود؛ نه این که در این رشته‌ها کاملاً با الگوهای ملی و بومی و محلی رفتار کرده باشیم. فارغ‌التحصیلان علوم قرآنی زبان مشترک ندارند

مرتضی کریمی‌نیا در ادامه به کمیت بسیار زیادی که رشته الهیات و رشته علوم قرآن در دانشگاه‌ها به خود اختصاص داده اشاره کرد و گفت: آنچه با این وجود می‌بینیم این است که وقتی حتی فارغ‌التحصیلان برتر این رشته‌ها در کنار نمونه‌های مشابه خارج از ایران قرار می‌گیرند برای فهم مسائلی که در همین حوزه علوم قرآن در آن جا طرح می‌شود چندان زبان گفت‌وگوی مشترک ندارند. گویی آنها با قواعد و آدابی در مطالعات قرآنی ایران تحصیل کرده‌اند

که نمونه‌های مشابه آنها در خارج از ایران از آن قواعد تبعیت نمی‌کنند؛ دقیقاً مانند این که قواعد فوتبال در ایران با قواعد فوتبال در اتریش متفاوت باشد و آنگاه قرار باشد تیمی از ایران با تیمی از اتریش مسابقه بدهد. این پژوهشگر مطالعات قرآنی در بخش دیگری از سخنانش جهان مطالعات قرآنی خارج از ایران را به دلیل اقتضائات متفاوت آنها به دو حوزه تقسیم کرد و گفت: خارج از مرزهای ایران انبوهی از کشورهای اسلامی هستند که چه به زبان عربی و چه به زبان‌های محلی خودشان همچون ترکی، مالایی، اردو به تحصیل تدریس و پژوهش اگر دانشجوی ما همیشه با ادله درون‌دینی مواجه باشد خیلی دشوار است که خود نظام دانشگاهی و استاد را راضی کند که پایان‌نامه‌ای کاملاً متکی به منابع برون‌دینی بنویسد در مطالعات قرآنی و به طور کلی مطالعات اسلامی می‌پردازند. اینها در دانشگاه‌های خودشان محصولی شبیه مطالعات قرآنی ارائه می‌کنند.

وی یادآور شد: اما جز جهان اسلام بخشی از آنچه به نام مطالعات قرآنی در جهان تولید می‌شود متعلق به اروپای غربی و آمریکای شمالی و به طور مشخص کشورهای اتریش هلند انگلستان فرانسه آلمان آمریکا و کاناداست. آنچه که قصد داریم در این جلسه به آن بپردازیم آن چیزی نیست که در کشورهای اسلامی جریان دارد و از جهات بسیاری به کشور ما شبیه است بلکه می‌خواهیم با مقایسه آنچه در ایران جریان دارد با کشورهای گروه دوم به دلیل تفاوت بیشتر تا حدی به آنچه که در کشور ما وجود ندارد آگاهی بیابیم.

مرتضی کریمی‌نیا عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام با بیان این که نگاه به مطالعات قرآنی در ایران چه در نگاه محققان و استادان و چه در نگاه دست‌اندرکاران یک نگاه درون‌دینی است تاکید کرد: قصد اولی و اصلی استادی که این رشته را تدریس می‌کند و دانشجویی که در مقاطع مختلف به این رشته وارد می‌شود بررسی قرآن به مثابه یک شیء و ابژه نیست بلکه بیشتر در درون یک فضای دینی و قرآنی و اسلامی زندگی می‌کند و رابطه روحی و روانی بسیار نزدیکی با متن قرآن و دیگر متون اسلامی احساس می‌کند و از آن پس وقتی که به سمت فهم بیشتر این متن می‌رود همه چیز را از درون این فضا می‌بیند.

وی این نگاه را با نگاه موجود در رشته مطالعات قرآنی در غرب مقایسه کرد و یادآور شد: برای کسانی که در غرب اولین بار توجهات آکادمیک به متن قرآن و دیگر متون اسلامی پیدا کرده‌اند به هیچ وجه ایمان مذهبی و علقه مذهبی مطرح نبوده است؛ همچنان که ما به عنوان یک مسلمان وقتی راجع به بودیسم یا تاریخ متن اوستا تحقیق می‌کنیم علقه مذهبی نسبت به آن متن یا کتاب نداریم. کریمی‌نیا با اشاره به این که در مباحث مرتبط با جمع و تدوین قرآن یا قرائات یا تحریف قرآن ادله‌ای که برای پژوهشگر ارائه می‌شود عموماً ادله درون‌دینی هستند گفت: اما در پژوهش غربی‌ها اصولاً به چنین ادله‌ای بر نمی‌خورید. می‌شنویم که متن قرآن از همان ابتدا همین گونه بوده و به همین اکتفا می‌کنیم اما غربیان از همان اول به دنبال اسناد مشت پرکن بوده‌اند و در این راه به دنبال اسناد قدیمی‌تر؛ چرا که هر چه یک سند قدیمی‌تر باشد ارزشمندتر است و داده‌های عینی بیشتری در اختیار ما قرار می‌دهد. اگر دانشجوی ما همیشه با ادله درون دینی مواجه باشد خیلی دشوار است که خود نظام دانشگاهی و استاد را راضی کند که پایان‌نامه‌ای کاملاً متکی به منابع برون دینی بنویسد.

او ادامه داد: این مانند آن است که دانشجو از استادان خود بخواهد اجازه بدهند که آنها به زبان فارسی حرف بزنند و او به زبان اسپرانتو حرف بزند. وقتی یک دانشجو بخواهد با روشی که در محیط تحصیلی خودش فرصت حضور و فرصت ارزیابی پیدا نکرده است و مزایا و نواقص آن پیدا نشده پیش برود این گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد.

کریمی‌نیا با اشاره به تأکید غربیان بر اسناد قدیمی بیان کرد: کهن‌ترین نوشته‌ها از صدر اسلام تا قرن چهارم با ارزش‌ترین متون و اسنادی هستند که هم در درجه اول باید آنها را فهمید و هم برای تحقیق در مورد تاریخ و فهم متون چند قرن نخست فقط به آنها مراجعه کرد و نه به هیچ متن دیگری. اما به دلایل مختلف چنین رویکردی کمتر در مطالعات قرآنی ایران دیده می‌شود؛ که یکی از دلایل این مسئله نیازمندی فهم متون کهن به اطلاعات علمی و ادبی خاص است.

کریمی‌نیا با بیان این که تاریخ برای غربی‌ها اهمیت دارد گفت: اساساً مسئله تاریخ و شناخت یک چیز ورای آن چیزی که امروز خود را نشان می‌دهد برای غربی‌ها خیلی مهم است. بسیاری

از امور را امروزه می‌بینیم و فکر می‌کنیم که همیشه همین گونه بوده است در حالی که در ذهن یک غربی از ابتدای تولد و در ادامه در همه دوران تحصیل و به وسیله خانواده و جامعه این ذهنیت جا می‌افتد که هر چیزی تاریخ دارد و گذشته دارد و همه چیز با گذشته‌اش خوب دیده و شناخته می‌شود و به همین دلیل اعتنای زیادی هم در جامعه به امور قدیمی می‌شود. وی افزود: با توجه به این نگاه وقتی که ما سراغ یک تفسیر می‌رویم و می‌بینیم که درباره یک آیه چیزی می‌گویند شاید برای ما پایان کار است اما برای یک غربی پایان ماجرا نیست و

می‌خواهد بداند که قبل از آن، چه بوده است؛ یعنی تاریخ علم و تاریخ تحول علم در همه زمینه‌ها خیلی مهم و برجسته است. به همین دلیل موضوعاتی مانند تاریخ قرآن تاریخ تفسیر و تاریخ علوم قرآن به اشکال مختلف در نظام آموزشی غرب بیشتر ارائه و نشان داده می‌شوند. وی ادامه داد: در زمینه تاریخ تفسیر هم آثاری تولید می‌شود؛ شبیه همان چیزی که در کشورهای عربی رایج است و در آن زندگی‌نامه مفسر همراه با فهرست استادان و شاگردانش اقوال علما درباره او فهرست کتاب‌های او و نمونه‌هایی از تفسیر او ذکر می‌شود. شکلی مدرن

از این الگو در پایان‌نامه‌ها و حتی در بسیاری از کتاب‌هایی که چاپ می‌شود نیز وجود دارد. این پژوهشگر قرآنی در پایان به بحث انگیزه ورود به رشته علوم قرآن در ایران و مقایسه آن با کسانی که در غرب به عرصه مطالعات قرآنی وارد می‌شوند پرداخت و این موضوع را بررسی کرد و سپس بر لزوم توجه به مواردی چون زبان‌دانی صحیح، گزینش درست و اصولی نخبگان، مشکل آشنایی صحیح با متون کهن، آشنایی با جهان کهن و ملزومات آن، جدی گرفتن روش تحقیق و توجه کردن به تفکر انتقادی در مطالعات قرآنی تاکید کرد.

یادداشت

کارکرد فلسفه در مشاوره

دکتر مهرنوش هدایتی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
گروه فکری‌پروری برای کودکان و نوجوانان

از زمانی که انسان سخن گفتن را شروع کرد، اندیشه او عمق گرفت، و از آنجا که گفت و شنود با دیگران را شروع کرد در ژرفای اندیشه خویش چالش‌ها و تعارضاتی را کشف کرد، و با پرداختن به این چالش‌ها و حل تعارضات به زندگی خویش معنا بخشید. اما این کار چندان هم ساده نبوده و نیست و همین دست و پنجه نرم کردن با پیچیدگی‌های جهان و کندوکاو پرسش‌های عمیق اندیشه انسانی، متفکرانی خردورز و به دنبال آن حوزه خردورزی و فلسفه را پدید آورد.

این اندیشمندان همواره به دنبال راهی برای بهبود زندگی انسان‌ها و ارائه ابزارهای فکری مناسب در جهت غنای معنای زندگی بوده و هستند. بنابراین از ابتدا مقرر نبوده که فلسفه به عنوان شیوه‌ای از تفکر و تعقل، ابزار لوکسی باشد که صرفاً برانده تعداد قلیلی از افراد، تحت عنوان فلاسفه باشد. از دو هزار سال پیش که اپیکوروس فلسفه را به عنوان «درمان روح» معرفی کرد، همواره در پی آن بود که استدلال منطقی را در جهت تخفیف و تشفی رنج و آلام بشری به کار گیرد. برخی فلاسفه حتی از این هم فراتر رفته و فلسفه را هنر زندگی خواندند. این فلاسفه، رسالت اصیل خود را به کارگیری اندیشه فلسفی در زندگی بشر می‌دانستند، تا آنجا که دکارت و اسپینوزا فلسفه را به عنوان «تمرین خردمندی» دیدند و نیچه نسبت به فلسفه‌ای که در قالب یک درس دانشگاهی سخت و رنج‌آور بود اعتراض داشت و این سبک نگرش به فلسفه را عامل تخریب فلسفه می‌دانست و در انتظار «درمانگران فیلسوف» بود. این جریان همچنان ادامه داشت تا جایی که فیلسوفان قرن بیستم همچون ویتگنشتاین و دیوبی فلسفه غیر کاربردی را مورد نقد قرار داده، و ارزش واقعی فلسفه را به مواجهه ذهن با سوالات مهم و اساسی و کندوکاو طریقی برای رهایی به حقیقت هر چیز، در زندگی روزمره دانستند.

شاید بنا به ارزیابی برخی فلاسفه، پرداختن به معضلات زندگی روزمره زندگی، به نسبت موضوعات اساسی و کلی‌تر از ارزش کمتری برخوردار باشد. اما مدافعان فلسفه کاربردی می‌دانند که غالب افراد با وجود توانایی در حل مسائل فردی و میان فردی، زمانی دچار مشکل می‌شوند که مسائل زندگی آنها دچار پیچیدگی‌هایی می‌شود که حل آن از عهده خود، دوستان

و اعضای خانواده شان خارج می‌شود. برای مثال زمانی که ارزش‌های فرد دچار مناقشه می‌شوند و یا حقایق متضاد ظاهر می‌شود و یا زمانی که استدلال در مورد یک مسئله در دام چرخه معیوب می‌افتد، و یا زمانی که زندگی به طور غیر قابل پیش‌بینی فاقد معنا می‌شود، گفت‌وگو با یک فیلسوف مجرب می‌تواند کمک بزرگی باشد.

درمان التیامات روانی می‌تواند به سبک و سیاق‌های مختلفی صورت پذیرد، اما فلسفه و روش‌های فلسفی یک روش بنیادین در حل تعارضات ریشه‌ای فکر است. مشاوره که رویکرد فلسفی دارد، می‌داند که ریشه بسیاری از ناراحتی‌های فرد، ریشه در پیش‌فرض‌های آزمون نشده او دارد، برخلاف روانکاوان که این ریشه را اندیشه ناهشیار فرد جست‌وجو می‌کنند. مشاور فلسفی از طریق گفت و شنود منطقی سوگیری‌های غیر منطقی، فرضیه‌های بیان نشده و ارزش‌های متعارض را در فرد پیدا کرده و این موانع را از جلوی چشم‌اندازهای جایگزین که به حل مشکل کمک می‌کند برمی‌دارد. بی‌شک چنین کشفی مراجع را به تغییر در اندیشه، احساس و رفتار رهنمون می‌سازد.

برخلاف سایر روان‌درمانگران، هدف مشاور فلسفی ارائه راه‌حل فوری برای مشکلات فعلی مراجع نیست، رسالت مهم‌تر آنها تجهیز و پرورش مراجع با ابزارهای فکری برای کشف اندیشه‌هایی است که این مشکلات از آنها برخاسته است و همچنین آموزش نحوه به چالش کشیدن استدلالاتی است که ما را در دام تفکرات غیرمنطقی، گرفتار می‌کنند. بر این اساس مشاور فلسفی، هم مشاور است و هم معلم، که به مراجع کمک می‌کند تا در مورد موضوعی که دغدغه دارد شفاف‌تر بیندیشد و همزمان ابزارهایی را به مراجع می‌دهد که برای بهتر فکر کردن در آینده به آنها نیاز دارد، در نتیجه مراجع همواره برای حل مشکلات خود به درمانگر وابسته نخواهد بود.

البته چنین سبکی از مشاوره در رویکردهای روان‌درمانی چندان هم بی‌سابقه نیست، نظریات شناختی مثل رویکرد عقلانی، هیجانی، رفتاری و رویکرد معنادرمانی یا رویکرد اصالت وجود، همگی از استدلالات منطقی و تقویت قوای تفکر و شناخت در درمان مشکلات مراجع بهره می‌جویند. آنها شنوندگانی فعال نسبت به آراء و اندیشه‌های مراجع بوده و حجم وسیعی از اطلاعات را به قطعات قابل کنترل تفکیک کرده و همه آنها را یک بار دیگر کنار هم قرار می‌دهند، و سبک استدلالی فرد را تغییر می‌دهند.

اگر به واقع بر این باور باشیم که روان‌شناسی فرزند فلسفه است، و اگر گفت و شنود فعال مهم‌ترین عامل درمانی برای کمک به حل تعارضات مراجع محسوب شود، شاید به جرأت بتوان گفت یکی از مهم‌ترین کارکردهای فلسفه، بهره‌گیری از روش‌های اندیشه فلسفی در جریان مشاوره‌های فردی و گروهی به منظور اصلاح باورها و تفکرات غیر منطقی است.

خرید بیش از ۱۷۰۰ جلد کتاب از نمایشگاه بین المللی تهران

کتابخانه مرکزی پژوهشگاه علوم انسانی در یکی از بی سابقه ترین خریدهای خود از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، بیش از ۱۶۵۰ جلد کتاب فارسی و عربی در حوزه های مختلف علوم انسانی خریداری کرد. کتاب های خریداری شده شامل کتاب هایی در زمینه تاریخ، ادبیات، اقتصاد، جامعه شناسی، علوم اسلامی، کودکان، کلیات، روان شناسی، زبان شناسی، علوم سیاسی، مدیریت، علوم اطلاعات و کتاب های داستان و ... است. همچنین ۲۴ عنوان کتاب چاپی انگلیسی و بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب الکترونیکی انگلیسی، ۵۲ برگ نقشه و تعدادی لوح فشرده اطلاعاتی با توجه به نیازهای درخواستی همکاران پژوهشگاه اعم از اعضای هیئت علمی و کارشناسان تهیه شده است که به زودی پس از ثبت به سرعت فهرست نویسی می شود و و برای استفاده در اختیار اعضا قرار می گیرد.

موج نوین منازعات سیاسی در عراق؛ با تأکید بر مسأله داعش بررسی شد

ناصر کنعانی، رئیس ستاد عراق در وزارت امور خارجه دیگر سخنران این جلسه بود. وی در آغاز به تاریخ پیدایش و شکل گیری گروه تروریستی داعش در سال ۲۰۰۴ پرداخت. سپس گفت: این گروه ها اساساً ماهیت ابزاری دارند که هر از گاهی رشد کرده و سپس فروکش می کنند. وی تصریح کرد: منازعه امروز عراق کاملاً ماهیت سیاسی دارد و مذهب و دامن زدن به اختلاف مذهبی اساساً با رویکرد ابزاری مطرح شده است. پیروزی های سیاسی - نظامی دولت و مردم سوریه و دولت نوری مالکی در انتخابات اخیر وضعیت نگران کننده ای برای گروه های تروریستی پدید آورده بود.

او افزود: وضعیت جدید موجب ورود جدی مرجعیت دینی در عرصه سیاست شد. در حال حاضر وارد شدن مردم عراق در صحنه مبارزه با تروریسم، موجب متوقف شدن عملیات گروه داعش شده است و کنترل و مدیریت وضعیت پیش آمده توسط دولت به خوبی انجام می شود.

کنعانی در پایان سخنانش گفت: برخی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تقابل با نظام جمهوری اسلامی تلاش کردند نزاع ساختگی عربی - عجمی را در سطح منطقه حاکم کنند، لیکن در این کار موفق نشدند. تلاش جدید آنان، این است که این نزاع را به نزاع ساختگی شیعه و سنی تغییر دهند اما قدرت نرم جمهوری اسلامی به دلیل نفوذ در عمق جهان عرب این تلاش را هم ناکام گذاشته است.

در پایان این نشست حاضران که بیشتر از اساتید و کارشناسان امور سیاسی بودند، با طرح نظرات و پرسش های مختلف، در تکمیل مباحث نشست مشارکت کردند.

نشست علمی تخصصی «بررسی موج نوین منازعات سیاسی در عراق؛ با تأکید بر مسأله داعش» در چارچوب فعالیت های علمی پژوهشی پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل سه شنبه سوم تیرماه در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست دکتر عبدالله قنبرلو عضو هیأت علمی گروه روابط بین الملل پژوهشکده ضمن اشاره به روند تشکیل گروه داعش در منطقه به بررسی بسترهای زمینه ساز یورش این گروه در عراق همچون تحولات سوریه و مشکلات درونی دولت نوری مالکی پرداختند.

وی با تأکید بر اینکه نزاع جاری در عراق نزاعی اساساً سیاسی اما با استفاده از ابزارهای مذهبی است؛ نقش برخی دولت های پرنفوذ منطقه ای را در خیزش داعش تعیین کننده ارزیابی کرد.

دکتر قنبرلو ابعاد گوناگون تکوین بحران کنونی، چند فرضیه مهم همچون تلاش برخی قدرت های منطقه ای برای فرار از موج دموکراسی خواهی از طریق دامن زدن به اختلافات شیعه - سنی، افزایش اعتماد به نفس اقلیت های جوامع عربی به تبع گشایش فضای سیاسی پس از انقلاب های اخیر منطقه، بحران سوریه و جنگ نیابتی درون آن، و رشد و گسترش القاعده در سال های اخیر را بررسی کرد.

قنبرلو در پایان به این برآیند رسید که برای مهار مؤثر و پایدار مسأله افراط گرایی نیاز به تعامل در دو سطح است. نخست سطح ملی که در آن تفاهم داخلی و بازسازی انسجام ملی عراق اهمیت دارد، و دوم سطح منطقه ای که در چارچوب آن بایستی به برقراری همکاری میان کلیه بازیگران ذی نفوذ و فعال در منطقه پرداخت.

سر دبیر: دکتر محسن علوی پور
هیئت تحریریه: افسر الملوک ملکی،
شاهین آریامنش، فرزاد حسینی،
اعظم صادقیان و سمانه خودچپانی
طراح و صفحه آرا: شهره خوری